

## سوژه ها بهترین اند , اما ...

دسترسی گسترده ی انسان سده ی بیست و یکم به کمپیوتر و مشتقات آن چون تار نما های انتر نتی و مانند آنها این امکان را میسر ساخته است که نه تنها همه ی بشریت در تماس و روابط تنگاتنگ قرار گیرد بلکه این پدیده ی بیمانند امکانات تبارز استعداد ها و بدسترس علاقمندان قرار گرفتن بسیار زود فراورده های این استعداد ها را نیز فراهم نموده است . انسان های خامه پرداز سده ی بیست و یکم بویژه جوانان خامه پرداز، اینک از چنان امکانات گسترده ی برخوردار هستند که در مخیله ی نسل پار هم نمیگذشت .

هر گاه درین گستره تنها به تار نماهای وطنی بپردازیم سوگمندها که کار های مر غوب و ماندگار بسیار اندک در آنها سراغ شده میتواند ، خامه زنان هم میهن ما بویژه جوانان خامه پرداز ما با وجود آنکه سال های زیادی را دور از میهن و در کشور های پیشرفته بسر برده اند هنوز هم زیر تاثیر همان سنت های دست و پا گیر جوامع پس مانده منجمله افغانستان قرار دارند . جمهور آنها یا دنبال کار ها و سوژه های میان تهی که هیچگاهی به درد ی از هزاران درد وطن و مردم نمیخورند ، هستند وگر گاه گاهی به هدف آفریدن یک اثر ماندگار ، به سوژه ی در خور توجه میپردازند ، چون بدون ممارست و زحمت کثیفی لازم برای فراگیری دانش لازم برای هست آن اثر ، دست بکار میشوند نتیجه ی دلخوا بدست آورده نمیتوانند .

در زمره ی خامه ها بیکه مبتکرانه سوژه های نو و ناب را انتخاب و پیشکش میکند ، یکی هم جناب داکتر - خاکستر است که آفریده های شان زیب تار نما های افغانی میباشد . من آفریده های این خامه را همیشه بخاطر گرینش سوژه های ابتکاری آن ، تا پایان میخوانم لذا این خامه را مانند همیشه روان میخوانم . بدون آنکه هدف سویی در میان باشد بمثابة یک دوست که آرزومند کارایی هرچه بیشتر خامه ی شان هستم (( من جناب شانرا از نزدیک ندیده و نمیشناسم )) مواردی چندی را به جناب خاکستر ، آهنگ پیشکش نمودن دارم .

نخست آنکه در پهلوی جملات و واژه های ابتکاری ، جملات و واژه های پیچیده و ((من خود درآوردی )) ، پیچیده نگاری و مراعات نکردن اصول و فن تنقیط در تمام پرداخت های تان وجود دارد ولی در پرداخت پسین تان زیر عنوان : ((در پی شناخت روز مریه گی سیاسی نخبگان چپ افغانستان )) ، مزید برین کاستی ها ، اشتباهات نوشتاری (املائی) نیز بچشم میخورد که شمه ی از آنها را درینجا میآوریم . (( درین نوشته تنها آفریده های جناب خاکستر از نگاه شکل ارزیابی شده است . من سوگمندها که با محتوای برخی نوشته هایشان نیز موافق نیستم اگر عمر باقی بود در فرصت لازم به آن نیز خواهم پرداخت )) .

در آغاز (( یکروزه ی )) بایای ارتباطی نوشته شده که درست است ولی اند کی پس ((جمله )) بدون یا نگاشته شده که درست نیست . جمله ی ((تعین مصداق نیز است)) در پهلوی آنکه مفهومش روشن نیست باید تعیین با دو یا نگاشته شود .

بکاربردن ((یابیده ، یابیده گی)) در پهلوی آنکه ، هرچه فرهنگ هارا کافتم آنرا نیافتم ، نامانوس هم است و آنقدر زیاد بکار رفته ، که دلگیر کننده شده است . جناب خاکستر (( زندگی)) را بدون ((ه)) ولی واژه ی من خود در آوردگی ((یابیده گی)) را با حرف مذکور نگاشته اند که پیروی از دو شیوه را در یک مورد نمایانگرست . باز هم هرچه کافتم واژه ی (( کاریزما )) را نیافتم من تنها کاریز را به معنای (( آبخاری در زیر زمین)) که آنرا قنات نیز گویند ، میدانم .

بنظر من واژه ها و جملات نامانوس و ((من خود در آوردی)) دیگر نیز درین نوشته فراوان پیدا میشود ، که بهمین هابیکه در بالا اشاره شد ((مشت نمونه ی خروار)) گفته بسنده میکنیم . واما عریضه ی اصلی من ، نمایاندن اشتباهات نوشتاریست که بهیچ صورت خامه پردازان مطرحی همانند جناب خاکستر نباید همچو اشتباهاتی را مرتکب شوند .

در بند چارم آمده است : ((همسویی با جوانتر هارا ترجیح به انزوا داده است)) درین جمله اگر منظور مرجح دانستن باشد که باید ((ترجیح)) نوشته میشد ، وگر منظور مراجعه باشد ، نادرست است .

در بند پنجم آمده است : ((به ستایشگر و سازمانده بی بدیل امورات حزبی در شهر کابل ...)) بکار بردن جمع الجمع ( امر مفرد و امور جمع آنست ) از خامه پردازان چون داکتر خاکستر را میتوان بی توجهی بحساب آورد در غیر آن این اشتباه را خامه پردازان مبتدی مرتکب میشوند .

در چار سطر کم از پایان شماره پنجم آمده است : (( اصطلاحاً فقدان ایدیا لوزی نام گرفت )) . باید گفت که اصطلاح به ((ح)) نگاشته میشود نه به ((ع)) دو دیگر اینکه بخاطر تازی زدایی از زبان فارسی دری باید واژه های همانند را در زبان خودی جستجو کرد .

جناب خاکستر در آغاز تذکر میدهند که این نوشته برای چند سویه اندیشان و جوانان مبتدی ترتیب گردیده است ، ولی جملاتی چون ،، بعدی نا پیدا ،، ؛؛ سوسیالیست باور ؛؛ و ... درین نوشته فراوان بکار گرفته شده است . که مفهوم آنها را تازه کاران و جوانان چه که کهنه کاران و به سن رسیدگان بسختی میدانند .

در فرجام با صمیمیت و صداقت تذکر میدهم که این ارزیابی گونه را تنها و تنها بهدفع جلب توجه خامه پرداز یکه به باور من آینده ی تابناکی پیشرو دارد ، رقم زده ام . تا باشد که آفریده های شانرا در آینده با دقت و توجه بیشتر رقم زنند ، زیرا تراوش های خامه ی شان مورد توجه و دقت زیاد اهل نظر است . به امید و انتظار آفریده های ناب و نغز جناب خاکستر در آینده .

---

## اینطرف و آنطرف

هادی - عروسنگ \*

آنطرف از بهر جان ارزان دهد ایمانرا

اینطرف از بهر ایمان میسپارد جانرا

آنطرف پالش نموده بهر بوتش نانرا

اینطرف بی لقمه نانی تا سحر بیتابست

اینطرف حرمت نهد برخالق ومخلوق او      آنطرف گوید بریزید خون هر انسانرا  
اینطرف محروم اما سر بلندو سر فراز      آنطرف بوسد خاک پای هر سلطانرا  
اینطرف صدق وصفوحرمت وانسانیت      آنطرف همراست دایم شر و هم شیطانرا  
اینطرف یاری کند با یاوران و همدلان      آنطرف بهر مقام ، سودا کند وجدانرا  
اینطرف چون قول داد تا پای جاننش میبرد      آنطرف با پا زند هر قول و هر پیمانرا  
اینطرف باحسن خلق وعدل وداد ومردمی      آنطرف بالا کشد بهر قضا دزدانرا  
اینطرف قولش بسان مردمان صادقست      آنطرف محکم فشارد دست نامردانرا  
اینطرف چون گوسپندان تابع هر رهبرست      آنطرف حاکم کند بالایشان دزدانرا  
اینطرف توفان خشم خویش را جاری کند      آنطرف باید بداند زور آن توفانرا  
اینطرف بیرون بریزد ظالمان آنطرف      آنطرف بالا کشد مردان آندورانرا

2010- 12 - 25

\*عروسنگ نام کوهیست در رخنه ی پنجشیر